شرح فرازهایی از خطبه

حضرت زهرا سلام الله علیها



بسم الله الرحمن الرحیم

شرح فرازهایی از خطبه حضرت زهرا (سلام الله علیها)

نویسنده:

حسن فقیه امامی

ناشر چاپی:

مدرسه علمیه ذوالفقار اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

شرح فرازهایی از خطبه‌ی حضرت زهراءعلیها السلام

مشخصات کتاب

سرشناسه : فقیه‌امامی، حسن، ۱۳۱۳ -
عنوان و نام پدیدآور : مجموعه سخنرانی‌های حضرت آیه الله حاج سید حسن فقیه امامی (مد ضله العالی) در شرح فرازهایی از خطبه‌ی حضرت زهرا علیها السلام به مناسبت ایام فاطمیه جمادی الثانی ۱۴۲۵ .ق
مشخصات نشر : اصفهان: مدرسه علمیه ذوالفقار اصفهان، واحد تحقیقات، ۱۳۸۸.
مشخصات ظاهری : ۲۰۵ ص.؛ ۱۴×۲۱ س‌م.
شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۰۴-۳۵۰۷-۶
وضعیت فهرست نویسی : فیپا
موضوع : فاطمه زهرا (س)، ۸؟ قبل از هجرت - ۱۱ق. -- خطبه‌ها -- نقد و تفسیر
رده بندی کنگره : BP۲۷/۲۲/ف۷م۳ ۱۳۸۸
رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۷۳
شماره کتابشناسی ملی : ۱۷۹۳۹۴۱

متن سخنرانی

بِسْمِ اللَّه الرَّحْمنِ الرَّحیم
الحمدُ للّه ربِّ العالمین حمدًا أزلیًّا بأَبَدیّته، و أَبَدیًّا بأَزلیّتِهِ، سَرْمدًا بِإطلاقه مُتَجَلِّیًا مرایا آفاقِهِ، و الصلوةُ و السلام علی سیّدِ أنبیائِهِ البشیر النـذیر و السِّراجِ المُنیرِ سیِّدنا أحمـد و نبیِّنا أبی القاسم مُحَمَّد، واللَعنُ الدائم علی أعدائهم أجمعین مِنَ الآن إلی قیامِ یوم الدّین.
قال الحکیم فی کتابِهِ الکریم و مُبْرَمِ خطابِهِ العَظیم:
«لَقَدْ أَرْسَلْنا رُسُلَنا بِالْبَیِّناتِ وَ أَنْزَلْنا مَعَهُمُ الْکِتابَ وَ الْمیزانَ لِیَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَ أَنْزَلْنا الْحَدِیدَ فِیهِ بَأْسٌ شَدِیدٌ وَ مَنافِعُ لِلنَّاسِ»(۱)
هدیه محضر مبارک بقیهٔ اللّه الاعظم، امام المنتظر، حجهٔ بن الحسن المهدی، صلوات بفرستید.
شهادت مظلومانه بی بی دو عالم، صدیقه کبری، فاطمه زهراعلیها السلام را به ساحت مقدس حضرت بقیهٔ اللّه «ارواحنا فداء» و به عموم شیعیان آن بزرگوار بالاخص، حضّار محترم و سروران گرامی تسلیت می گوییم.
مطلبی به نظر رسید، به مناسبت این روز تقدیم محضرتان کنم که البتّه یک بحث قرآنی است ابتدائاً آیه کریمه‌ای که تلاوت شد را ترجمه می کنم و بعداً مطلب را توضیح خواهم داد. قرآن کریم می‌فرماید: ما رُسل و پیامبرانمان را توأم با بیّنات و معجزات و دلائلی که شهادت بر حقانّیت آنها می‌دهد فرستادیم و با آن پیامبران دو چیز را همراه کردیم؛ یکی کتاب و دیگری میزان. این دو چیز به این منظور همراه انبیاء قرار گرفت تا مردم زندگی را بر مبنای عدالت و قسط پایه ریزی کنند.
«لِیَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»(۲)
شاهد ما در این آیه شریفه کلمه میزان است. چون منظور از کتاب معلوم است. صد و چهارده کتاب آسمانی بر انبیاء نازل شده

است. مخصوصاً بر پیامبران اولوالعزم صُحُف بر حضرت نوح، صحف دیگری بر حضرت ابراهیم، تورات بر موسی، انجیل بر حضرت عیسی و قرآن بر خاتم انبیاء مؤید مجتبی محمد مصطفی‌صلی الله علیه وآله وسلم. این‌ها کتب آسمانی است و معلوم است.

اما منظور از میزان چیست ؟ میزان یعنی وسیله سنجش حق و باطل، خدا یک عامل سنجشی قرار داده تا حد ومرز هر چیزی مشخص شود و مردم متحیّر و سرگردان نشوند و با مراجعه به میزان بتوانند عدل و قسط را پیاده کنند. منظور از میزان، این است.

حالا ما باید مقدماتی را تقدیم محضرتان کنیم تا ببینیم مراد و منظور از این میزان در قرآن کریم چیست؟

مقدمه اوّل: همه موجودات وبالاخص انسان باید یک سیری را در میان موت و حیات طی کند. که این سیر، یک سِیر طبیعی هم هست. حالاـ این که این سیر از کجا آغاز می‌شود و به مرگ ختم می‌شود، بحث خیلی مفصّلی دارد که قرآن به مقاطع خاصی از آن اشاره می‌کند خداوند از نطفه آغاز می‌کند :

«خَلَقَ الْإِنْسانَ مِنْ نُطْفَةٍ»(۳)

تا می‌رسد به آنجایی که:

«لِكَيْلا يَعْلَمَ مِنْ بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئاً»(۴)

و منتهی به مرگ می‌شود این مقاطعی که قرآن در این خط سیر به آن اشاره می‌کند در موجودات دیگر هم همینطور است. حالا نبات باشد، جماد باشد، حیوان باشد و یا در دیگر موجودات، آنها هم یک خط سیر طبیعی دارند. خدای متعال برای همه موجوداتی که این خط سیر را دارند یک خط مشی صحیح را برنامه ریزی کرده است.

«قالَ رَبُّنَا الَّذِی أَعْطی كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدی»(۵)

بنابراین یک خط سیر مشخصی هست.

مقدمه دوم: این است که راههایی که انسانها(به خصوص) طی می‌کنند چند نوع راه است و بخصوص در انسان یک راه مستقیم است و بقیه‌ی راه‌ها انحرافی است. راه مستقیم، نزدیکترین راهی است که انسان را به هدف می‌رساند. بعضی راه مستقیم را انتخاب می‌کنند و ادامه می‌دهند. یک کج راه هایی هم هست که گاهی انسانها دانسته وارد آنها می شوند و گاهی ندانسته می‌روند. قرآن کریم در سوره مبارکه حمد این سه گروه را مشخص کرده است. در مورد آنهایی که در صراط مستقیم و راه راست حرکت می‌کنند می‌فرماید:

«صِراطَ الذینَ اَنعمتَ عَلیهِم»(۶)

کسانی که راه کج را دانسته انتخاب می‌کنند، در این سوره با عنوان «مغضوب علیهم» از آنها یاد شده است. در جای دیگر قرآن د ر مورد این دسته می‌فرماید:

«وَ جَحَدُوا بِها وَ اسْتَيْقَنَتْها أَنْفُسُهُمْ»(۷)

این دسته از افراد، یقین به حقانیت راه راست دارند ولی عمداً راه کج را انتخاب می‌کنند. این‌ها مورد غضب الهی هستند و مصداق اَتم واکمل این دسته، یهود هستند، که اینها پیغمبر اسلام را می‌شناختند:

«يَعْرِفُونَهُ كَما يَعْرِفُونَ أَبْناءَهُمْ»(۸)

و به حدّی روی پیغمبر شناخت داشتند که سیصد سال قبل از ولادت پیغمبر از شام به یثرب آمدند چون می‌دانستند مَقرّ حکومت رسول خدا در یثرب خواهد بود و آنجا جا گرفتند که وقتی پیغمبر اسلام ظهور کرد سدِّ راه رسول اکرم بشوند. تا این

حد، آگاهی داشتند. همچنان که فرزندانشان را می‌شناختند پیغمبر اسلام را هم می‌شناختند و به حقانیت او آگاه بودند.
گروه سوم کسانی هستند که بیراهه می‌روند ولی ندانسته.
«هَلْ نُنَبِّئُکُمْ بِالْأَخْسَرِینَ أَعْمالاً الَّذِینَ ضَلَّ سَعْیُهُمْ فِی الْحَیاةِ الدُّنْیا وَ هُمْ یَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ یُحْسِنُونَ صُنْعاً»(۹)
که در سوره حمد از اینها تعبیر به «ضالّین» شده است.
پس راه، منحصر به یک راه نیست.اگر یک انسانی در کتابش یا در سخنرانی اش اعلام کند که صراط و راه، منحصر به فرد است؛ این حرف نه با عقل سازگار است و نه با شرع و حرفی بسیار بی مبنا وبی اساس و بر خلاف صراحت قرآن کریم است. چون از نظر قرآن، سه راه است و یک راه نیست و هر سه راه نمی‌تواند حق باشد. فقط یک راه حق است و بقیّه باطل است. همین طوری که پیغمبر اکرم‌صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: امتهای سَلف فِرَق متفاوت داشتند. یهودیها ۷۱ فرقه بودند؛ یک فرقه حق و ۷۰ فرقه‌ی باطل.
مسیحی‌ها، ۷۲ فرقه بودند؛ یک فرقه‌ی حق، بقیّه باطل.
مسلمانها و امّت من ۷۳ فرقه می‌شوند؛ یک فرقه، فرقه‌ی ناجیه‌اند و بقیه‌ی باطل.
پیغمبر اسلام انگ بطلان می‌زند بر هفتاد و دو فرقه و فقط یک فرقه را امضاء می‌کند و جای تعجّب است که پیغمبر انگ بطلان بر هفتاد و دو فرقه اسلامی می‌زند وبعضی حتّی بت پرستی را هم به عنوان صراط مستقیم معرفی می‌کنند.
واقعاً تعجب است، آدم بُهْتَش می‌زند که با صراحت می‌گوید بت پرست هم راهش راه مستقیم است، آنها هم که گوساله سامری را می‌پرستیدند، آنها هم به حق می‌رفتند یعنی یک خط بطلان می‌کشد بر مبارزات تمام انبیاء از زمان نوح تا زمان پیغمبر یک خط بطلان می‌کشد بر مبارزات تمام اوصیاء در طول تاریخ از اوصیای حضرت نوح گرفته تا امام زمان (عج).
پس همه این مبارزات باطل است؟ چون اینها با باطل مبارزه می‌کنند، می‌توانیم بگوئیم مبارزه نداشتند، می‌توانیم بگوئیم با حق مبارزه داشتند. طبق این نظریه اگر بگوییم همه مبارزه با باطل داشتند؛ حرفی بسیار بی منطق و خلاف است.
مقدمه سوم: ما موظفیم کدام راه از این سه راه را طی کنیم؟
قرآن کریم در این مورد، ما را موظف می‌کند و می‌فرماید:
«هذا صِراطِی مُسْتَقِیماً فَاتَّبِعُوه»(۱۰)
ما نمی‌توانیم راه ضالّین را برویم، ما نمی‌توانیم راه مغضوبٌ علیهم را برویم، فقط باید صراط مستقیم، یعنی راه راست را برویم.
«فَاتَّبِعُوه»یعنی باید بگردیم و در بین این راه‌های مختلف، راه راست را پیدا کنیم؛ وقتی پیدا کردیم دنبال کنیم.
«هذا صِراطِی مُسْتَقِیماً فَاتَّبِعُوه»(۱۱)
مقدمه چهارم: ما موظف هستیم در نمازهایمان سوره‌ی حمد بخوانیم:
«لا صَلوةَ اِلاّ بِفاتِحةِ الکِتاب»(۱۲)
اگر حمد را در نماز نخوانیم دیگر نمازمان ، نماز نیست رَگ حیاتی هر نمازی، سوره‌ی حمد است. حمد، دیباچه و فهرست قرآن است. می‌توانیم بگوئیم ماکت قرآن سوره‌ی، مبارکه‌ی حمد است. آنچه در قرآن هست؛ در سوره‌ی حمد خلاصه شده و البته دانشمندان این مطلب را اثبات کرده‌اند که واقعاً فشرده‌ی قرآن سوره‌ی حمد است. سوره‌ی حمد دارای ابعادی است و هر مفسّری ناظر به بُعدی از ابعاد سوره‌ی حمد است. یکی از ابعاد سوره‌ی حمد این است که روی مسئله دعا در این سوره، تکیه شده است. چون خود سوره در واقع دعاست. منتهی دعا شرایطی دارد، خصوصیاتی دارد. از چه کسی طلب کنیم؟ چه وقت طلب کنیم؟ چه چیز را طلب کنیم؟ چگونه طلب کنیم؟ دعا، طلب کردن است. آن کسی که رتبه‌اش پائین‌تر است اگر از مقام

بالاتر چیزی را درخواست کرد؛ یعنی دعا کرده است. یکی از ابعاد سوره‌ی حمد این است که به ما تفهیم می‌کند آن کسی که ما می‌خواهیم از او درخواستی بکنیم؛ چه کسی است؟ چه کسی لایق این است که ما گردنمان را در مقابل او کج کنیم و خواسته هایمان را از او طلب کنیم؟
مطلب دوم این که، ما که می‌خواهیم از او درخواست کنیم، باید چه شرایطی داشته باشیم؟
مطلب دیگر اینکه ما چه چیز را از خدا بخواهیم که همه چیز را خواسته باشیم؟ چون فرق می‌کند. بعضی افراد هستند که در دعا سلیقه ندارند. یک چیزهای پیش پا افتاده‌ای را از خدا می‌طلبند که در شأن آنها نیست. باید ببینیم که چه چیزهایی از خدا طلب کنیم که همه چیز خواسته باشیم، و دیگر این که به چه کیفیّت از خدا طلب بکنیم؟
تمام اینها در سوره حمد به صورت فشرده مطرح شده است. اولاً آن کسی که می‌خواهیم از او درخواست بکنیم باید بتواند کمبودهای ما را جبران بکند. ما بی نهایت کمبود داریم و کسی باید این کمبودهای ما را جبران بکند که قادر بر رفع تمام نواقص ما باشد یعنی هر چه را که بخواهیم، بتواند برای ما انجام بدهد و قرآن می‌فرماید:
«أَنْتُمُ الْفُقَراءُ إِلَى اللَّهِ وَ اللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ»(۱۳)
آن کسی که ما از او چیزی را طلب می‌کنیم یک ذات مستجمع جمیع صفات کمالی است به نام «اللّه»، که هیچ نقطه ضعف و عجزی در او نیست و واجد تمام کمالات است و رحمن و رحیم است؛ یعنی نواقص بندگان را چه مؤمن و چه کافر در دنیا برطرف می‌کند و در قیامت تنها نواقص مؤمنین را مرتفع می‌کند.این خدایی است که لایق است از او چیزی مطالبه کنیم؛ چون رحمن و رحیم است کمبودها را می‌تواند جبران بکند، علاوه بر این رَبُّ العالَمین است یعنی مربّی تمام موجودات عالم که آنها را به رشد و کمال می‌رساند و زمام تربیت در دست اوست، خداست. به هر کسی مراجعه بکنید، ممکن است نسبت به یک چیزی مسئولیت داشته باشد امّا ما می‌خواهیم به جائی مراجعه کنیم که حدّ و مرز نداشته باشد در تمام ابعاد بتواند ما را به کمال و رشد برساند و بتواند نیازمندیهای ما را جبران بکند. رَبُّ العالَمین خداست. چه می‌خواهید؟ اگر مثل سلیمان دنیا می‌خواهید:
«رَبِّ... هَبْ لِي مُلْكاً لا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِي»(۱۴)
باید دستهایت را بلند کنی و گردنت را کج بکنی و بگوئی «یاربّ» و اگر کسی بیمار است و شفا می‌خواهد مثل ایوّب باید از خدا بخواهد :
«وَ أَيُّوبَ إِذْ نادى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ»(۱۵)
همچنین هر امر دنیوی دیگر را باید فقط از او خواست.اگر در رابطه با آخرت می‌خواهی دعا بکنی به کسی باید مراجعه کنید که صاحب اختیار مطلق در امور آخرت باشد.
«مالِكِ يَومِ الدينِ»(۱۶)
پس آن کسی که می‌خواهیم از او درخواست بکنیم، یک ذاتِ مستجمع جمیع صفات کمالی است که عهده دار تربیت جهان هستی در دنیا و صاحب اختیار در آخرت است. کسی که می‌خواهیم از او درخواست بکنیم هیچ نقطه ضعفی ندارد هر چه بخواهیم و در هر حدّی که بخواهیم، در قدرتش است و می‌تواند و می‌کند. پس شرایط از طرف او محیّا است. امّا شرایط ما چیست؟ ما که درخواست کننده هستیم در چه شرایطی حق دعا و خواستن داریم؟ باید اوّل در مقابل آن خدا تسلیم باشیم، غیر او را نپرستیم، نظر به غیر او نکنیم، انقطاع الی اللّه داشته باشیم، جز خدا هیچ موجودی را در عالم مؤثر نبینیم. بگوئیم:
«إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»(۱۷)

خدایا ما با سراپای وجودمان در اختیار تو و تسلیم و تحت فرمان تو هستیم و ما خودمان این مطلب را باید اقرار کنیم که به تنهایی، بدون خدا، قادر بر هیچ کاری نیستیم. خدایا از تو می‌بایست استمداد بگیریم، درخواست کنیم تا تو برای ما انجام بدهی. پس شرایط ما یکی این است که ما بنده واقعی خدا باشیم چون اگر نافرمانی خدا کردیم، معصیت کردیم این سدّ راه استجابت دعای ما است.

«اللّهم اغْفِرلی الذنوبَ التی تَحْبسُ الدعاء»(۱۸)

چیزی که جلوی دعا را می‌گیرد، گناه است. به همین خاطراست که قبل از اینکه آدم دعا بکند، باید استغفار کند اوّل با خدا تصفیه حساب بکند بعد دعا کند. شما می‌خواهید ملکی را منتقل کنید، وقتی به دفتر می‌روید باید تصفیه حساب ببری، اداره گاز، اداره برق، اداره مالیات، اداره فلان، و... تمام اینها را می‌بایست تصفیه حساب بکنید تا یک چیزی را به شما انتقال بدهند. دستگاه خدا هم همین است تصفیه حساب باید بکنی و اگر سراپای وجود ما گناه باشد و بخواهیم از خدا طلب بکنیم و درخواستی داشته باشیم بعید است که به هدف برسیم:

«إِیَّاکَ نَعْبُدُ وَ إِیَّاکَ نَسْتَعِینُ»(۱۹)

خیلی خوب، حالا از خدا چه بخواهیم که همه چیز خواسته باشیم؟ می‌بینید اینجا سر بند خیلی حسّاس است. ما به همه چیز نیاز داریم شکی ندارد. هم در امور مادّی، هم معنوی، هم دنیوی، هم اخروی، در تمام ابعاد به خدا نیازمند هستیم. بهترین موقعیت ما هم وقتی است که به نماز ایستاده‌ایم.

«الصلوةُ مِعْراجُ المُؤمِن»(۲۰)

«الصلوةُ قُرْبَانُ کُلُّ تقیّ»(۲۱)

بهترین حالات مؤمن حالت نماز است، مقام قرب الهی است. می‌خواهیم با خدا حرف بزنیم. یک خواسته داریم، چه از خدا بخواهیم که در دل این خواسته تمام خواسته‌ها موجود باشد؟ آن خواسته باید این باشد:

«اهْدِنَا الصِّراطَ الْمُسْتَقِیمَ»(۲۲)

خدایا راه‌ها مختلف است. منِ انسان هم تشخیص راههای صحیح از باطل برایم مشکل است. تو به من کمک بده که راه راست را بشناسم وطبق وظیفه دنبال کنم.

مقدمه پنجم: می‌خواهم عرض کنم این است که ببینیم آیا خدا برای اینکه ما را به راه راست هدایت کند پیش بینی‌های لازم را فرموده یانعوذ باللَّه پیش بینی‌های لازم را نکرده؟ بر می گردیم به این آیه شریفه که:

«لَقَدْ أَرْسَلْنا رُسُلَنا بِالْبَیِّناتِ وَ أَنْزَلْنا مَعَهُمُ الْکِتابَ وَ الْمِیزانَ لِیَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»(۲۳)

یک: ما پیغمبران را فرستادیم، دوّم: با آنها کتاب آسمانی فرستادیم، سوّم: ما با انبیاء میزان را فرستادیم.

پیغمبر اسلام‌صلی الله علیه وآله وسلم، هادی است.

«إِنَّا أَرْسَلْناکَ شاهِداً وَ مُبَشِّراً وَ نَذِیراً وَ داعِیاً إِلَی اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَ سِراجاً مُنِیراً»(۲۴)

پغیمبر مانند یک خورشید تابناک بر تارک جهان هستی نورافشانی می کند و به نور خودش تمام عالم را ارشاد و هدایت می کند.

عامل دوم: قرآن،

«وَ نُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ ما هُوَ شِفاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِینَ»(۲۵)

در روایت هم دارد پیغمبر اکرم‌صلی الله علیه وآله وسلم می‌فرماید:

«اذا أَقْبَلَ عليكم الفِتَن كالليلِ المُظْلم فعَلَيْكم بالقُرءآن فإنَّه شافعٌ مُشَفَّع و ماهلٌ مُصَدَّق»(۲۶)

ما بایـد در موقعی که ظلمتها، آن ظلمتهای غول پیکر، به ما تهاجم می‌کند، سراغ قرآن برویم. چون نور است و ما را از ظلمت نجات می‌دهد. یعنی آن چیزی که به درد ما می‌خورد این کتاب آسمانی است.اگر بخواهیم ببینیم فلاسفه چه گفتند، دانشمندان غرب چه گفتند، چه مکتبهایی به ما هر روز ارائه کردند، اینها درد دواکن نیست. مثل سیل از شرق و از غرب برای ما مکتب می‌آورند. اینها مکتبهای الهی نیست.اینها خودشان هم با هم درگیرند. این، آن را رد می‌کند. آن یکی دیگری را رد می‌کند. این مکتب، مکتب دیگری راخراب می‌کند. ما قرآن داریم، چه نیازی به این افکار باطله داریم که متکی بشویم به این اسمها و از راه منحرف شویم ؟!

قرآن و میزان داریم. میزان چیست؟ ابتدا این را توضیح بدهم که به حوادثی که در جاهای مختلف پیش می‌آید «فتنه» می‌گویند. این حوادث وقتی رخ می‌دهد مردم را گمراه می‌کند.

«إِنّمَا بَدْء وُقوعِ الْفِتَن أهواءٌ تُتَّبَع و آراءٌ تُبْتَدَع»(۲۷)

در این حوادث برای ما یک علامتهایی گذاشته اند تا راه را گم نکنیم. مثلاً از اینجا می‌خواهید بروید تهران وقتی می‌رسید سر سه راهیها یا سر چهار راه‌ها ممکن است ندانید کدام راه است و گمراه شوید. بنابراین تابلو می‌زنند. خاصیت تابلو این است که راه را نشان می‌دهد تا ما به بیراهه نرویم. انبیاء برای ما تابلو نصب کردند، که ما راه را گم نکیم به نظر من با تَتَبُّع در روایات رسول اکرم‌صلی الله علیه وآله وسلم می‌بینید که ایشان از بلافاصله بعد از زمان خودشان تا قیامت را تابلو گذاشته‌اند. اگر تَتَبُّع کنید، پیدا می‌کنید، مثلاً تمام فتنه‌های آخرالزمان را پیغمبر تابلو زده‌اند که ما گم نشویم. اگر ما بخواهیم این تابلوها را به شما معرفی کنیم زمان می‌برد. حتّی می‌بینیم پیغمبر برای زمان ما هم تابلو گذاشته‌اند تا یک وقت خدای ناخواسته شیعیان راه را گم نکنند.

گاهی به تاریخ مراجعه بفرمائید، می‌بینید پیغمبر یک نشانه‌های خیلی حساسی گذاشته‌اند که حق و باطل روشن شود. مثلاً جنگ بین امیرالمؤمنین‌علیه السلام با عایشه و طلحه و زبیر است. حال حق با علی‌علیه السلام است یا با عایشه؟ اینجا سر دو راهی است. یک عدّه از این طرف آمدند، یک عدّه از آن طرف. معلوم نیست حق با کیست؟ خوب، عامّه مردم هم که توجه به ریزه کاریها ندارند. زن پیغمبر است و دختر ابی‌بکر و حالا در مقابل امیرالمؤمنین‌علیه السلام قیام کرده و اهل سنت هم که می‌گویند مجتهده بوده. حق با چه کسی است؟

پیغمبرصلی الله علیه وآله وسلم یک روزی با زنان نشسته بودند، فرمودند: زمانی پیش می‌آید که در حوأب (حوأب در مسیر لشکر عایشه بود)، سگ‌ها به یکی از زن‌های من حمله می‌کنند و بپرهیزید از آن فتنه، و بعد رو کردند به عایشه و فرمودند: حواست جمع باشد، نکند که تو آن (زن) باشی.(۲۸)

یعنی یک چراغ قرمز، یک چراغ خطر نشان دادند، که هم عایشه حساب کار خودش را بکند و هم مردم بدانند که اگر درگیری بین عایشه و امیرالمؤمنین شد، حق با عایشه نمی‌تواند باشد.

پیغمبر پیش بینی کردند و لذا عایشه بعد از جریان جنگ جمل هر وقت بحث جنگ جمل می‌شد، گریه می‌کرد تا حدّی که روسری اش خیس می‌شد و می‌گفت ای کاش اقدام نکرده بودم. پیغمبر به من هشدار داد و من غافل بودم. این چراغ را پیغمبر روشن کرد. این، میزان است.

یا در جریان جنگ صفّین می‌بینیم لشکر علی‌علیه السلام یک طرف، لشکر معاویه یکی طرف. کدام حق است؟ پیغمبر یک چراغ خطر روشن کرده که مردم با دیدن این چراغ خطر حق را از باطل تشخیص دهند. این میزان است فرمود:

«عمّار تَقْتُلُهُ الفِئَةُ الباغِیَة»(۲۹)
گروه ستمگری عمار را می‌کشند. اتفاقاً عمار در جنگ صفّین حاضر بود لشکر معاویه عمّار را کشتند. معلوم شد حق با چه کسی است یک وِل وِله‌ای افتاد در لشکر معاویه که پیغمبر پیش بینی کرده بود که ما عمار را می‌کشیم و معلوم شد ما باطلیم.
و یا این که پیغمبراکرم‌صلی الله علیه وآله وسلم به طور جمعی اهل بیت‌علیهم السلام را به عنوان «میزان» معرفی کردند.
«اِنّی تارکٌ فیکم الثقلین: کتابَ اللَّه و عِترتی ما اِن تَمَسَّکتُم بِهما لَنْ تَضلّوا اَبَدا»(۳۰)
این یک میزان است.در جایی دیگر پیغمبر در مورد اهل بیتش فرمود:
«أهلُ بَیتی أَمانٌ لِأُمّتی»(۳۱)
یا فرمود:
«مَثَلُ أهلِ بَیتی کمَثلِ سَفینةِ نوح مَنْ رَکِبها نجی و مَن تَخَلَّف عنها غَرَق»(۳۲)
بیست شباهت بین کشتی نوح و بین اهل بیت پیغمبر است. این میزانی است که پیغمبر مشخص کرده. پیغمبر فرمود:
«إنَّما مثلُ أهل بَیتی کمَثلِ نُجُوم السماءَ کُلّما غابَ نَجْمٌ طَلَعَ نَجمٌ آخر»(۳۳)
همین طور که ستاره‌ها هدایت گرند اهل بیت پیغمبر هم هدایت گرند. میان این هفتاد و سه فرقه مسلمین تنها شیعه اثنی عشری است که متمسک به ذیل عنایت اهل بیت است و به این میزان عنایت داشته است. اینها را پیغمبر بعنوان میزان، معرفی فرموده است. خیلی عجیب است، این همه حدیث در مورد اهل بیت! نه یکی، نه دو تا، نه ده تا، گاهی هم افراد را میزان قرار داده و به طور جدا گانه از آنها یاد کرده است. راجع به امام حسن مجتبی‌علیه السلام فرمودند:
«اِبْنی هذا سَیِّدٌ لأنّ اللَّه یُصْلِحُ بِهِ بین فِئَتَیْنِ عَظِیمَتَین»(۳۴)
پیغمبر، امام حسن‌علیه السلام را به عنوان مصلح در آینده معرفی کردند. یعنی یک میزان نشان دادند تا وقتی که اختلاف بین امام حسن‌علیه السلام و معاویه می‌شود مشخص باشد حق با کیست.
نسبت به امام حسین‌علیه السلام فرمودند:
«اِنّ الحُسین مِصْباحُ الهُدی و سَفِینَةُ النَّجاة»(۳۵)
قربان تو یا رسول اللَّه، نگذاشتی امّت هیچ کجا بدون راهنما باشند.
اینها همه مقدمه بود برای این مطلبی که حالا- می‌خواهم عرض کنم. امروز می‌خواهم این را بگویم که فاطمه‌علیها السلام بعنوان یک میزان از طرف پیغمبر به مردم معرّفی شده که اگر مردم بعد از پیغمبر متحیّر ماندند که حق با کیست؛ میزان، فاطمه‌علیها السلام باشد. این مهمترین سِمَت فاطمه زهراعلیها السلام است که می‌تواند بین حق و باطل را جدا کند و تکلیف مردم مسلمان را تا قیامت روشن کند. آقا امام زمان (عج) فرمودند:
«فاطمةُ حُجّةٌ علینا»(۳۶)
فاطمه، حجت خداست. چرا؟
اوّلین اختلاف بعد از پیغمبر در مسئله خلافت بود. حالا باید ببینیم که پیغمبر برای این روز چه فکری کرده است؟
پیغمبر در کنار قرآن باید فرقان داشته باشد. امروز روزی است که ما با فرقان پیغمبر راه حق و باطل را باید تشخیص بدهیم که بعد از وفات رسول اللَّه حق با کیست. حق با علی‌علیه السلام است یا با خلفاء؟ سند ما فاطمه‌علیها السلام است.
احادیث بر دو نوع‌اند: بعضی احادیث، احادیث آحاد است و بعضی احادیث متواتره. احادیث متواتره یعنی احادیثی است که به طور قطع از معصوم صادر شده و هیچ تردیدی در آن نیست و بهترین نوع تواتر، تواتری است که هر قرنی آنقدر این روایت را

مکرّر نقل کرده‌اند که ما قطع به صدورش داریم. مثل حدیث غدیر خم، در قرن اوّل محدّثین زیاد، در قرن دوم هم باز محدّثین زیاد تا برسد به قرن ما. به کتابهای حدیث که مراجعه کنیم، می‌بینیم، در هر قرنی محدّثین مسئله غدیر خم را مطرح کرده‌اند.

بنابراین برای ما جای هیچ تردیدی در غدیر خم نیست. اتمام این مطلبی که من امروز عرض می‌کنم، سند متواتر بین شیعه و سنی دارد. یعنی هیچ کس نمی‌تواند و جرأت ندارد در این مطالبی که عرض می‌کنم خدشه وارد کند. یعنی با سند قطعی است. اهل سنت و شیعه نقل کرده‌اند، اگر ما تنها گفته بودیم شاید اعتراض می‌شد؛ ولی شیعه و سنّی با هم گفته‌اند، متفقٌ علیه است پس قطعی است، متواتر است و اگر کسی منکر شود از مسیر انصاف خارج شده است.

پیغمبر اکرم‌صلی الله علیه وآله وسلم یک قداستی به فاطمه زهراعلیها السلام داده‌اند. این قداست، گاهی عملی بود. مثلاً می‌آمدند، سر فاطمه را می‌بوسیدند، سینه فاطمه را می‌بوسیدند، دست فاطمه را می‌بوسیدند. ما پیغمبر را حکیم می‌دانیم، آیا پیغمبر بی جهت سر و سینه و دست فاطمه را می‌بوسد؟ نه، این طور نیست. خیلی حکیمانه‌تر از این حرفهاست.

انسان سه بُعد دارد و از سه چیز تشکیل می‌شود: فکر و اخلاق و عمل. این سه چیز، یک انسان را بوجود می‌آورند. پیغمبرصلی الله علیه وآله وسلم، سر فاطمه را می‌بوسد که افکار فاطمه را تقدیس کرده باشد. اگر فکر انحرافی، - نعوذ باللّه - در مغز فاطمه بود، جای بوسه پیغمبر نبود. اگر در دل فاطمه یک رذیلت اخلاقی بود، جای بوسه پیغمبر نبود. اگر دست فاطمه عامل گناه بود، جای بوسه پیغمبر نبود.

پیغمبر با این بوسه‌ها فکر فاطمه را تقدیس می‌کند، اخلاق فاطمه و عمل فاطمه را تقدیس می‌کند. یکی از چیزهایی که پیغمبر راجع به فاطمه فرموده‌اند و شیعه و سنی متواتر نقل می‌کنند و این کلام، مقام با عظمت بی بی را مشخص می‌کند این است که فرمود:

«اِنَّ اللَّه یَرضی لِرضی فاطِمهٔ و یَغْضِبُ لِغَضَبِها»(۳۷)

اگر فاطمه نسبت به چیزی یا کسی غضب کرد خدا بر او غضب کرده است. این حدیثی است که همه (شیعه و سنی) می‌گویند.

حدیث دیگری که بخاری بخصوص در سه مورد از کتاب صحیحش نقل می‌کند این است که می‌گوید: «فاطمه با آن دو سخن نگفت و بر آن‌ها غضبناک بود تا از دنیا رفت».(۳۸)

سنی و شیعه بالاتفاق و به طور متواتر می‌گویند فاطمه بر آن دو غضب داشت. سنی و شیعه از پیامبرصلی الله علیه وآله وسلم نقل می‌کنند: اگر فاطمه بر کسی غضب داشت خداوند غضب نموده است. پس بر آن دو چه کسی غضب کرده است؟ خداوند غضب نموده است.

این چیزی است که پیغمبرصلی الله علیه وآله وسلم به عنوان میزان قرار داده است. یعنی: منِ شیعه امروز با این استنادهای قوی که شیعه و سنی نقل کرده‌اند، به جرأت می‌توانم بگویم که آن راهی که آن دو رفتند راه مغضوب علیهم بود. ما آن راه را نمی‌رویم. حجت، تمام !!!

اگر یک نفر شیعه یا سنّی روی این مسئله اعتراض کنند، از مسیر انصاف خارج هستند. زیر بنای این طرز تفکّر بسیار متین و شرع پسند و عقل پسند و عاقل پسند است. این، میزان است.

بنابر این فاطمه زهراعلیها السلام برای تمام تک تک مسلمانهای روی زمین اتمام حجت کرده است. فرموده: من بر اینها غضب دارم و چون بر آنها غضب دارم، مورد غضب خدا هستند و آن کسانی که مورد غضب خدا هستند راهشان برای ما رفتنی

نیست. صراط مغضوب علیهم است.

برای اثبات مسألهی ولایت در سوره حمد هم از همین مطلب استفاده می‌کنند. آن وقت می‌فهمیم فاطمه‌علیها السلام چه کرده است؟ روز قیامت اگر فاطمه زهراعلیها السلام از افرادی که منکر ولایت علی‌علیه السلام هستند پرسید: مگر من اظهار برائت از این دو نکردم؟ شما چرا اعتنا نکردی؟ ما چه جوابی داریم بدهیم.

مسئله‌ای دیگر: چرا فاطمه‌علیها السلام بر اینها غضب کرد؟

یک چیز مُسلّم است، جزء متواتراتی است که هزاران روایت و تاریخ و شعر و محاجّه در این زمینه شده است. یعنی اگر ما، از قرن اول تا الآن، این روایات و اخبار وتاریخ و احتجاجات و اشعار را روی هم بگذاریم؛ برای ما یک مسئله قطعی پیش می‌آید و آن تهاجم به خانه فاطمه زهراعلیها السلام است. اگر کسی گفت: نه! اینها افسانه است، معلوم می‌شود هیچ مطالعه ندارد، کتاب مراجعه نکرده، حالا می‌خواهد به طریقی، یک عدّه را تبرئه کند. دیگر کاتولیک‌تر از پاپ که نمی‌شود. دیگر شما که سنّی‌تر از سنی‌ها نمی‌توانید باشید. خود آن‌ها به طور قطع مسئله را مطرح کرده‌اند. چطور می‌گوئید افسانه است ؟!

جواب فاطمه زهراعلیها السلام را چه می‌دهید؟!

حجت قاطعه، حضرت زهراعلیها السلام را شما قطع می‌کنید؟!

کتاب است، سند است، حرف حساب داریم، اینطور نیست که یک کسی یک مطلبی در تاریخ نوشته باشد و ما آن را سند بگیریم. خیر، اینها افسانه نبوده است!! یک حقیقت است.

با اسناد اهل سنت قضیه اثبات شده است. هیچ جای تردیدی نیست. ما به عنوان یک میزان، که پیغمبرصلی الله علیه وآله وسلم به ما ارائه کرده‌اند، این مطالب را پذیرفته‌ایم و این یکی از طرقی است که ما حقّانیّت مذهب شیعه را اثبات می‌کنیم. این یکی از موازینی است که می‌توانیم از آن استفاده بکنیم.

اطاله کلام شد و چند جمله را به عنوان ذکر مصیبت عرض می‌کنم و رفع زحمت می‌کنیم.

نزدیک ظهر بود، فاطمه زهراعلیها السلام اسماء را خواستند و فرمودند: اسماء پارچه‌ای بیاور و روی من بینداز و از اتاق بیرون برو. خانمها این یک درس است که فاطمه زهراعلیها السلام در حال احتضار می‌دهد. فاطمه زهراعلیها السلام الآن درون اتاق تنها است. کسی هم نیست؛ خانه، خانه خودش است؛ الآن در حال از دنیا رفتن است، امّا پوشش روی خودش می‌اندازد، مبادا بعد از فوتشان کسی وارد اتاق بشود، زهراعلیها السلام می‌خواهد جسدش زیر پوشش حجاب پنهان باشد. این یک درس بسیار بزرگی است.

اسماء می‌گوید رفتم، یک پارچه سفیدی آوردم، روی فاطمه‌علیها السلام انداختم و از اتاق بیرون رفتم. برگشتم صدا زدم یا سیدهٔ نساءِ العالمین! جوابی نشنیدم، یا فاطمهٔ الزهراء، جوابی نیامد پارچه را عقب زدم، دیدم فاطمه از دنیا رفته است. متحّیر شدم از خانه بیرون آمدم گفتم الآن حَسنین‌علیهما السلام وارد خانه می‌شوند. خبر از مرگ مادر ندارند، متأثر می‌شوند، رفتم به استقبال حسنین‌علیهما السلام اتفاقاً آنها به طرف خانه می‌آمدند. رسیدند، سلام کردند اسماء حال مادر ما چطور است؟ گفتم: الحمدللّه. خواستند وارد اتاق شوند. گفتم: نهار بخورید، بعد به عیادت مادر بیائید. گفتند: اسماء تو کی دیده بودی ما بی مادر غذا بخوریم؟! وارد خانه شدند، دیدند، بی بی از دنیا رفته است. می‌گوید: دیدم آقا امام حسن‌علیه السلام بالای سر مادر نشسته، ضجّه می‌زند، گریه می‌کند، از حسین‌علیه السلام غافل شدم، یک وقت نگاه کردم دیدم صورتش را به کف پای مادر گذاشته.

«وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ»(۳۹)

پاورقی ها

۱) حدید/۲۵

۲) حدید/۲۵

۳) نحل/۴

۴) حج/۵

۵) طه/۵۰

۶) حمد/۷

۷) نمل/۱۴

۸) انعام/۲۰

۹) کهف/۱۰۳و۱۰۴

۱۰) انعام/۱۵۳

۱۱) انعام/۱۵۳

۱۲) الخلاف، شیخ طوسی ج۱ ص۳۲۷.

۱۳) فاطر/۱۵

۱۴) ص/۳۵

۱۵) انبیاء/۸۳

۱۶) حمد/۴

۱۷) فاتحه/۵

۱۸) فرازی از دعای کمیل.

۱۹) فاتحه/۵

۲۰) بحار الانوار، علامه مجلسی ج۸۱ ص۲۵۵ ب۱۶

۲۱) اصول کافی، شیخ کلینی ج۳ ص۲۶۵

۲۲) فاتحه/۶

۲۳) حدید/۲۵

۲۴) احزاب/۴۵و۴۶

۲۵) اسراء/۸۲

۲۶) اصول کافی، شیخ کلینی ج۲ ص۵۹۸

۲۷) اصول کافی، شیخ کلینی ج۱ ص۵۴

۲۸) بحار الانوار،علامه مجلسی ج۲۸ ص۱۰۷

۲۹) بحار الانوار، علامه مجلسی ج۳۳ ص۷ ب۱۳

۳۰) مستدرک وسائل الشیعهٔ، نوری طبرسی ج۱۱ ص۳۷۲

۳۱) عیون أخبار الرضا، شیخ صدوق ج۲ ص۲۷
۳۲) احتجاج، طبرسی ج۲ ص ۳۸۰
۳۳) بحار الانوار، علامه مجلسی ج۵۱ ص۲۲ ب۱
۳۴) کشف الغمّه، ابوالحسن اربلی ج۱ ص۵۶۴
۳۵) مدینهٔ المعاجز، بحرانی ج۴ ص۵۳
۳۶) اطیب البیان، آیهٔ اللّه طیب ج۱۳ ص۲۲۶ - اسرار فاطمیه مسعودی ص۳۷
۳۷) بحار الانوار، علامه مجلسی ج۲۱ ص۲۷۹
قریب به همین مضمون: «فاطمه بضعه منی فمن اغبضها اغضبنی» صحیح بخاری ج۴ ص۲۱۰ و ۲۱۹ - صحیح مسلم ج۷ ص۱۴۱ - سنن ترمذی ج۵ ص۳۵۹
۳۸) الف.صحیح بخاری ج۵ ص۸۲ باب غزوهٔ خیبر
ب. صحیح بخاری ج۴ ص۴۲ باب دعاء النبی
ج. صحیح بخاری ج ۸ ص۳ کتاب الفرائض
۳۹) شعراء/۲۲۷

درباره مرکز

بسمه تعالی
هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟
سوره زمر/ ۹
مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.
اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲.ارتباط با مراکز هم سو
۳.پرهیز از موازی کاری
۴.صرفا ارائه محتوای علمی
۵.ذکر منابع نشر
بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :
۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی
۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:
۱.JAVA
۲.ANDROID
۳.EPUB
۴.CHM
۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون مجتمع فرهنگی مذهبی هیئت قائمیه اصفهان ،دفاتر مراجع معظم تقلید، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور)، موسسه فرهنگی مرکز تحقیقات رایانه‌ای مهر حوزه علمیه اصفهان، سازمان کتابخانه ها،موزه ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی ، موسسه فرهنگی اطلاع رسانی تبیان ، سازمان حج و زیارت، انتشارات مسجد مقدس جمکران و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghaemiyeh.com

ایمیل: Info@ghaemiyeh.com

تلفن دفتر مرکزی: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹